

فصلنامه علمی مطالعات ادبیات شیعی
سال اول، شماره سوم، زمستان ۱۴۰۱

علامه آیت‌الله سید علی بن محمد علی میبدی یزدی؛ شخصیتی ویژه در ادبیات دینی و تعلیمی

غلامرضا کافی^۱

چکیده

این مقاله برآن است تا یکی از چهره‌های ادبیات دینی و تعلیمی و تعدادی از آثار او را در این نوع ادبی معرفی نماید. غالباً در ادبیات دینی و تعلیمی با پدیدآورنده‌ای حکیم یا عالم رو به رویم؛ اما عموماً آثار این نوع ادبی مطرح تراز چهره‌های آن هستند و کمتر شاعری را به عنوان «ویژه‌سرا» در این گونه از ادبیات می‌توان سراغ گرفت. علامه سید علی بن محمد علی میبدی یزدی، شخصیتی است که در کنار تمام فضایل علمی و فقهی خویش، آثار متعددی در حوزه ادبیات تعلیمی از خود به جای گذاشته و از این جهت، به چهره‌ای ممتاز بدل گشته است. نقل مجلس که پرهیز نامه‌ای است در علم اخلاق، به زبان فارسی و در قالب مثنوی، به همراه شش ارجوزه به زبان عربی و در قالب مثنوی، شمه‌ای از هفتاد اثر علامه میبدی است که به طور ویژه در ادب دینی و بر بنیان تعلیمی سروده شده‌اند. در این مقاله، علاوه بر معرفی سراینده، این آثار نیز به نحو شایسته معرفی شده‌اند و ویژگی‌های هر اثر به همراه توضیح کارکرد آن‌ها، در ادب تعلیمی نوشته شده است. معرفی چهره‌ای خاص و چند اثر ویژه در ادبیات دینی و تعلیمی، هدف غایی این مقاله بوده که به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به انجام رسیده است. چاشنی‌گیری این سروده‌ها از دقیقه‌های معرفت دینی، آن‌ها را در یک سلک و یک سبک درآورده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد باتوجه به شیوه استدلالی و حکمی سراینده و پیوند بامنابع قرآنی و روایی و نیز استفاده از اندکی لحن مطابیه آمیز، کارکرد آموزنده‌گی این آثار بسیار بالاست.

واژه‌های کلیدی: ادبیات دینی، ادبیات تعلیمی، میبدی یزدی، نقل مجلس، ست ارجیز.

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه شیراز. ghkafi@shirazu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۵

۱. مقدمه

در کتاب جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران (مشرف، ۱۳۸۹) منظور از ادبیات تعلیمی چنین بیان شده است: این گونه از ادبیات، نیکبختی انسان را در بهبود منش اخلاقی او می‌داند و همت خود را متوجه پرورش قوای روحی و تعلیم اخلاقی انسان می‌کند. نیز می‌دانیم که ادبیات و شعر در پی دو کارکرد خود، یعنی تأثیر و کشش، به گونه‌ای ادبیات تعلیمی رسیده است؛ «اثر ادبی تعلیمی، اثری است که دانشی را برای خواننده تشریح کند یا مسائل اخلاقی، مذهبی و فلسفی را به شکل ادبی عرضه دارد» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۶۹).

براساس این تعریف، آثار ادبیات تعلیمی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: در نوع اول، مسائل اخلاقی و مذهبی و حتی فلسفی موضوع نوشته‌ها و سروده‌ها قرار می‌گیرد که بخش عظیمی از ادبیات تعلیمی را دربرمی‌گیرد و آثاری چون قابوس نامه، گلستان، کلیله و دمنه در این شمارند. در نوع دوم، شاعر یا نویسنده می‌کوشد موضوعی آموزشی را با روشی ظریف و اغلب در قالب شعر به مخاطب بیاموزد و آموزش را سرعت بخشد. پیداست که در چنین موقعیتی، اصل با آموزش مطلب و محتواست که پدیدآورنده از دست افزار ادبیات برای تبیین و تعلیم آن استفاده می‌کند و غالباً در ادبیات تعلیمی، ما با پدیدآورنده‌ای حکیم یا عالم روبه روییم و به دلالت برخی آثار پژوهشی، امروزه وقتی از ادبیات تعلیمی سخن می‌گوییم، منظور مفهوم عام آن (یلمه‌ها، ۱۳۹۵: ۶۶) یعنی همان نوع اول است که ما در اینجا ذکر کردیم.

ادبیات تعلیمی فارسی، هم به صورت شعر و هم به صورت نثر آثار درخشنانی دارد. یکی از گسترده‌ترین حوزه‌های معنایی سخن فارسی، شعر تعلیمی است. شاعران معناگرا مسائل اخلاقی و اجتماعی و روان‌شناسی را به زبان شعر بیان کرده‌اند که در بین مردم با استقبال مواجه شده است؛ حتی طبق برخی اظهارنظرها، ادبیات فارسی

از این حیث، از ادبیات غرب پرماهیه‌تر و پردازمنه‌تر است (داد، ۱۳۸۷: ۲۱). سابقه این گونه از شعر به نخستین دوره‌های شعر فارسی برمی‌گردد؛ آنجا که نخستین اثر مستقل و منظوم فارسی در اخلاق، یعنی پندنامهٔ انشیروان را بدایعی بلخی، معاصر سلطان محمود غزنوی، در بحر متقارب سرود.

کتاب‌های نُقل مجلس و شش ارجووهٔ منطقیه، ایرانیه، نیروزیه، بطیخیه، سفرجلیه و حمامیه که موضوع مقالهٔ حاضر بوده، آثاری از نوع اول در ادبیات تعلیمی است که در عهد قاجاریه و به قلم یکی از ویژه‌سرایان ادبیات تعلیمی، سید علی بن محمدعلی میبدی یزدی (متوفای ۱۳۱۳ق) پدید آمده است. ویژه‌سرایی میبدی در ادبیات تعلیمی، به همراه زندگی‌نامهٔ او ارائه می‌شود. هدف از این نوشته همانا معرفی چند اثر ویژه در ادبیات تعلیمی است که به همراه آن، با چهره‌ای خاص در این نوع ادبی با آثار متعدد و البته قابل اعتماد آشنا خواهیم شد.

نُقل مجلس و ارجووه‌های شش‌گانه، از حیث موضوع، در علم اخلاق و آداب اجتماعی قرار می‌گیرند. زبان این آثار ساده و قالب آن‌ها مثنوی است و تنوع موضوعات، نخستین ویژگی آن‌هاست که در این مقاله به نحو مبسوط معرفی شده‌اند. با توجه به ناشناختگی مؤلف، نباید انتظار داشت که این نوشتار پیشینه و سابقه‌ای فحیم داشته باشد؛ اگرچه ادبیات تعلیمی امروزه به لطف پژوهش‌های دانشگاهی و انتشار مجله‌های ادبی و علمی‌پژوهشی از رویکرد خوبی برخوردار است. از جمله کتاب‌ها و پژوهش‌های این حوزه می‌توان به کتاب جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران (مشرف، ۱۳۸۹) که در آن بخشی از ادبیات تعلیمی تحلیل شده است یا کتاب نقد و نظری بر شعر گذشته‌فارسی (زمجو، ۱۳۸۲) که شعر را از دیدگاه اخلاقی ارزیابی کرده است، اشاره کرد. همچنین مقاله‌هایی مانند «بررسی برخی مؤلفه‌های تربیتی در متون تعلیمی کهن» (سبزی، ۱۳۹۱) یا «تأملی در نقش تعلیمی شاهنامه» (رضابیگی،

(۱۳۹۱) قابل یادکرد است که البته هیچ‌یک به موضوع خاص مقاله‌ما اشاره ندارند و حتی مقاله مفصل «بررسی خاستگاه ادبیات تعلیمی و سیر تطور آن در ایران» (یلمه‌ها، ۱۳۹۵) که از عهد روdkی تا عصر انقلاب را کاویده، کمترین اشاره‌ای به علامه میبدی و آثار تعلیمی او نکرده است.

از قضا، همین نکته، ضرورت و اهمیت پرداختن به موضوع را برای مقاله حاضر فراهم می‌آورد. اهمیت آثار تعلیمی نیز از آن جهت است که جنبه ادبی در آن‌ها قوی و کم ایراد است؛ چراکه در نزگ در آثار تعلیمی نشان می‌دهد که اولاً قوت کلام و ادبیت اثر معمولاً در درجه دوم اهمیت قرار دارد. وانگهی، امروزه نوع ادب تعلیمی چندان محل توجه نیست و با ارائه و معرفی چنین آثاری، می‌توان توجه پژوهشگران و علاقهمندان را به این سو برانگیخت. این نکته می‌تواند به عنوان هدفی دیگر برای پژوهش حاضر محسوب شود. البته نزدیک به یک دهه است که علاقه‌مندان به فرهنگ و ادب و پژوهشگران حوزه معارف و معارف یزد، مانند سید صادق حسینی اشکوری، سید احمد حسینی و سید ناصر حسینی میبدی، چند کتاب از آثار این فقیه شاعر را به چاپ رسانده و در معرفی او به جامعه ادبی تلاش کرده‌اند؛ اما هنوز بسیاری از آثار وی ناشناخته مانده است.

۲. سید علی بن محمد علی میبدی یزدی کیست؟

۱-۲. زندگانی

نام و نسب مؤلف نُقل مجلس و ارجوزه‌ها بنا بر آنچه در مقدمه کتاب المجلسیه به عربی و مقدمه اصلاح‌البلاد وی به فارسی آمده، چنین است: «سید علی حسینی میبدی یزدی بن محمد علی بن میرمرتضی بن میرسعید» و به دلالت همین منابع، نسب او به حسین اصغر بن امام سجاد^(۴) می‌رسد (میبدی یزدی، ۱۳۸۸: ۶).

سال تولد وی به صراحة در منبعی نیامده است؛ ولی در آغاز کتاب شرح حدیث رأس مائه، تصريح می‌کند که در چهل سالگی آن را نگاشته و چون تأليف اين كتاب در سال ۱۳۰۰ هـ.ق. بوده است، بنابراین سال تولد علامه باید ۱۲۶۰ هـ.ق. باشد. زادگاه وی شهر میبد یزد بوده و در جوانی به کربلای معلی سفر کرده است. برخلاف اسلاف که به تجارت مشغول بوده‌اند، سر از رأی پدر برمی‌تابد و به تحصیل علوم شرعی می‌پردازد. در کربلا و نجف از محضر استادانی مانند شیخ عبدالحسین شیخ‌العراقین و ملام محمدحسین فاضل اردکانی بهره می‌برد و هنگامی که شیخ‌العراقین به دستور ناصرالدین‌شاه در سال ۱۲۸۵ هـ.ق. به طلاکاری قبة عسکریین مأمور شد، میبدی نیز در معیت وی بوده؛ چنانکه در ارجوزه حمامیه بدان اشاره کرده است (میبدی، ۱۳۸۸: ۱۰).

گفته شده که وی در سال ۱۲۸۷ هـ.ق. بر اثر شب‌زنده‌داری و کثرت اشتغالات به بحث و مطالعه مريض شد و برای معالجه با شاگردش، آقا اسد‌الله آل آقا، معروف به امام جمعه، راهی کرمانشاه شد. سید در ایام اقامت در کرمانشاه دریافت که مردم مبتلا به ضعف اعتقادات هستند؛ پس مصمم شد که برای حفظ و احیای شریعت، در این شهر اقامت کند و این‌گونه بود که تا پایان عمر در کرمانشاه ماندگار شد؛ جز آنکه بر اثر اختلاف با علمای این شهر، مخصوصاً دو طایفة صالح و زنگنه که منسوب به قاجار بودند، مدتی را به صورت تبعید در اصفهان گذراند و مورد توجه حاکم اصفهان، مسعود میرزا ظل‌السلطان قرار گرفت.

علامه سید علی میبدی یزدی علاوه بر مقام علمی و فقهی، شاعر و سخنور نیز بود. سروden شش ارجوزه در موضوعات مختلف به زبان عربی و نیز انشای قصاید عربی و فارسی، مقام سخنرانی او را تثبیت می‌کند. مرگ علامه میبدی در سال ۱۳۱۳ هـ.ق. در آخرین روز ماه محرم، در کرمانشاه روی داد. پس از تشییع پیکرش، به نجف اشرف منتقل گشته و در قبرستان وادی السلام نجف به خاک سپرده شد.

سخن بزرگان در حق سید مبیدی، بزرگی مقام و ولایی جایگاه او را در فقه و ادب نشان می‌دهد؛ چنانکه شیخ آقابزرگ تهرانی درباره او می‌گوید:

«فقیه کامل و عالم عارف، علامه سید علی بن محمد علی المبیدی، بلغ مرتبة عالیة في العلم والعمل و تبحّر و بَيْعَ و اجازة استاده الاردکانی اجازة محترمة في غایة الشِّباء والتَّعجِيل، مصريحاً ببلوغه مرتبة الاستنباط من الدليل. هبط كرمانشاه فصار مرجعاً لاهلها مرجحاً لاحکام الدین مشیداً لمعالمه. هدی خلقاً كثیراً من التصیریه الى سواء السبيل» (حسینی المبیدی، ۱۴۲۵: ۱۳).

۲-۲. آثار

در جلد اول از فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مبیدی، دیوان اشعار وی با عنوان *الروائد* معرفی شده که در هشت زائد (باب) به عدد ابواب بهشت است. این دیوان شامل شعرهای عربی و فارسی فراهم آمده و تخلص او در شعر «عاشق» است (حسینی اشکوری، ۱۳۸۵: ۴۱). در مقدمه کتاب مجلسیه، ۶۸ عنوان کتاب به علامه سید علی مبیدی نسبت داده شده است که در موضوعات مختلف، از جمله احکام و شرایع، تفسیر قرآن، شرح احادیث مهم، کشکول و حتی مقتل امام حسین^(۴) تدوین یافته‌اند. بخش عمده‌ای از آثار او نیز با شعر و ادبیات پیوند دارد که به معرفی برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود:

الف. *القصيدة اللامية* یا *القصيدة الحجيجية* که در محرم سال ۱۳۸۲ هـ.ق. سروده شده است.

ب. *شرح القصيدة الحجيجية* که شرح قصيدة نامبرده در بحث پیشین است و در سال ۱۳۸۲ هـ.ق. نگاشته شده است.

ج. *سُتُ الراجِيز* شامل شش ارجوزه است به نام‌های ارجوزه منطقیه، ارجوزه بطیخیه، ارجوزه سفرجلیه، ارجوزه ایرانیه، ارجوزه نیروزیه و ارجوزه حمّامیه به عربی که تمام این

شش‌گانه در شمار ادبیات تعلیمی به حساب می‌آید و مشتمل بر ۹۲۰ بیت است.

د. شرح دیوان ابوالعلاء معری که شرحی بر اشعار شاعر عهد عباسی، ابوالعلاء معری است.

ه. الزوائد یا دیوان اشعار که شامل اشعار علامه میبدی است به همراه مقدمه‌ای که در کیفیت شعر و شرح برخی اشعار شاعران پیشین، از عرب و عجم پرداخته شده است.

۳. منظومه‌های تعلیمی علامه میبدی

در این مقاله قصد این است که در تحلیل‌هایی هرچند کوتاه، ارزش علمی و ادبی هریک از آثار او بازنموده شود. همچنین، از جنبه تاریخ ادبیات نیز این شخصیت و آفریده‌هایش دارای اهمیت بسزایی است. نکته تحلیلی و قابل توجه دیگر این است که آثار تعلیمی علامه میبدی غالباً جنبه کاربردی دارند و از دو حیث علمی و شرعی، چنان اتقان و استدلالی را با خود دارند که خواننده و مخاطب به طور باورپذیری توصیه‌های شاعر را قبول می‌کند. امروزه میزان قابل توجهی از آثار ادب تعلیمی ما چندان قابل استفاده در زندگی کنونی نیست و گویی تنها باید به چشم کالای عتیقه و کهن به آن‌ها نگریست؛ حال آنکه آثار میبدی به میزان درخور توجهی برای جامعه و انساهای این روزگار نیز سودمند و قابل استفاده است.

۱-۳. نقل مجلس

نُقل مجلس منظومه‌ای است تعلیمی که در قالب مثنوی، به زبان فارسی و به وزن معروف مثنوی معنوی سروده شده است. این منظومه در یک مقدمه هفده بیتی، یک مؤخره یازده بیتی و در هفده تنفس (ابراز تنفس کردن) سامان یافته است. به دلالت سید صادق حسینی اشکوری در مقدمه همین کتاب، ظاهراً اصل نسخه خطی آن نزد نوء علامه، یعنی سید ناصر حسینی میبدی محفوظ است و در

جلد اول فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مبیدی (حسینی اشکوری، ۱۳۸۵: ۲۷) نیز معرفی مختصری از این کتاب دیده می‌شود. همچنین، در پی نویس می‌خوانیم که نسخه خطی به خط نستعلیق سراینده، یعنی علامه مبیدی، موجود است.

نکته قابل توجه این است که هم در معرفی فهرست نسخه‌های خطی و هم در مقدمه سید صادق اشکوری آمده که علامه مبیدی این اثر را به تقلید از مثنوی نان و حلوا شیخ بهاءالدین عاملی سروده است؛ درحالی‌که هیچ مشابهتی میان مضمون و محتوای نقل مجلس با آن اثراً یافت نمی‌شود.

تنفیرهای هفدهگانه نقل مجلس به قرار زیر است:

۱. تنفیر از لهو (ص ۱۶):

نوجوانی لب پر از گفتار زور

سینه شیدا، سر پر از باد غرور

۲. تنفیر از پرخوری (ص ۱۹):

ای که دائم نگذری از بیش و کم

تا کنی پربار انبان شکم

۳. تنفیر از کسب بی تقوا (ص ۲۱):

ساده‌ای گفتا که من صنعتگرم

بامداد اول به دکان حاضر

۴. تنفیر از تجارت بی عبادت (ص ۲۳):

نقل مجلس چیست ای مرد گزین

صحبت تجارت‌ماچین است و چین

۵. تنفیر از هوس‌های بی‌فایده (ص ۲۶):

نُقل مجلس کز همه شیرین تراست

این هوس‌ها در سر پر شور مست

۶. تنفیر از جمع مال حرام (ص ۲۸):

زیرکی دیدم که با سعی تمام

عمر را طی کرده در مال حرام

۷. تنفیر از غرور (ص ۳۱):

ظرفه نُقل مجلس شیرین و شور

اعتقاد فاسدِ اهل غرور

۸. تنفیر از کسالت (ص ۳۳):

خورد دی قناد ما خون جگر

بهر مجلس ریخت نُقلی تازه‌تر

۹. تنفیر از بی‌قیدی ابلهان (ص ۳۶):

ترزبانی گر جهان را برد آب

گفت: دل خوش دار ما را برد خواب

۱۰. تنفیر از تعشق‌های مجازی (ص ۳۸):

ریخت حلوا بی‌ما از عاشقی

نقل معجون تابه دام آرد شقی

۱۱. تنفیر از عادات (ص ۴۰):

وقت عصری پا زدم در مجلسی

سرخوش از عادات دیدم هر کسی

۱۲. تنفیر از مرشدان جا هل (ص ۴۲):

نُقل مجلس مرشدان جا هل اند

گاهِ ذکر از ذکر الله غافل اند

۱۳. تنفیر از زهد بی معنا (ص ۴۵):

اوستاد عاقل شیرین زبان

ریخت نقل از وصف حال زاهدان

۱۴. تنفیر از ذکر صوفیان (ص ۴۷):

دوش بگذشتمن فراز محضری

مردمی دیدم به دور مهتری

۱۵. تنفیر از عارفان رسمی (ص ۵۰):

بهر ما سنجدید این حلوای زه

تا به فکرت ساخت نُقلی با مزه

۱۶. تنفیر از مقام طلبی (ص ۵۲):

نقل مجلس منصب بالاتراست

از برای مردم دنیاپرست

۱۷. تنفیر از غفلت (ص ۵۵):

آخرین نقلی که مجلس را رواست

داستان غفلت دل‌های ماست

(میبد یزدی، ۱۳۸۷)

زبان نُقل مجلس، ساده و محتوای آن کاملاً اخلاقی است و پراکندگی در خور توجهی از نظر موضوعی در آن دیده نمی‌شود؛ جز آنکه ترکیب تنفیرها می‌توانست به حسب محتوا، به‌گونه‌ای باشد که هم‌شأنی موضوعات رعایت شود. از نکته‌های برجسته در این کتاب، درج حکایت در متن یا حتی شروع حکایت‌گونه مدخل‌هاست که جذبه و کشش خاصی به مطلب می‌دهد. همچنین، بیان استدلالی شاعر در آغازه‌ها و به کارگیری آیات قرآن، حدیث و روایت و استدلال‌های حکیمانه، سخن او را پاورپذیر و تأثیرگذار کرده است. سراینده در مقدمه، نقل مجلس را دنیای پرجاذبه خوش‌سیما می‌داند که دهان از آن شیرین می‌گردد و انسان غافل لذات پایدار آن جهانی را به لذت زودگذر این جهانی می‌بخشد.

نقل مجلس چیست این دنیای تو

شد ز شهدش شکرین لب‌های تو

گر بخواند، پای نشناسی ز سر

ور براند، بازمانی همچو خر

(میبدی یزدی، ۱۳۸۷: ۱۳)

ذهن عالم فقیه و متشرع، گاه واژگان غریب و بحث‌های منطقی و جدلی را به کار برده است. کاربست واژگانی نظیر جعل (سرگین‌گردن)، خمول (گمنامی)، قرزا (ابریشم فروشی) و نُبی (قرآن) از این شمار است:

حیف باشد چون جعل پادرها

فضله‌ای گردانی از بهر نوا

(همان، ۵۱)

هان مگوکاین پیشۀ قزازی است

بلکه دکان جهنمسازی است

(همان، ۲۲)

نقل مجلس در سال ۱۳۰۷ هـ.ق. سروده شده و به کوشش سید صادق حسینی اشکوری در سال ۱۳۸۷ هـ.ش) نشر یافته است. این کتاب از دیدگاه ادبیات تعلیمی در گونه تعریف عام آن قرار می‌گیرد و کتابی است که موضوع اخلاق انسانی و اسلامی را گوش‌زد کرده و بیشتر از جنبه نفی و قوّه جلالیه برای تأثیر بر مخاطب استفاده می‌کند. عنوان «تنفسیر» که برای فصل‌ها در نظر گرفته شده، جنبه سلبی اخلاق اسلامی را نمایان می‌سازد. شاعر در این اثر مخاطب را از ردایل اخلاقی، به ویژه تعلق خاطر به دنیا پرهیز می‌دهد.

۲-۳. ارجوزه منطقیه (أطروفه)

ارجوزه منطقیه که به اُطروفه (حدیث کمیاب) و اُطروفه الرمان نیز نام‌گذاری شده، منظومه‌ای است ۶۳۳ بیتی به زبان عربی و به وزن «مفتعلن مفتعلن فاعلن». موضوع آن همان‌گونه که از اسم ارجوزه پیداست، علم منطق بوده و در آن قواعد این علم با توضیحات و حواشی سراینده و نیز همراه با نقل آرای فلاسفه معروف، نظیر ارسسطو و ابن‌سینا به نظم کشیده شده است. این کتاب از یک مقدمه، شصت عنوان فصل‌واره و زیرعنوان از اصطلاحات منطق و درآمدی در تعریف علم و تقسیم علوم تشکیل شده است. شاعر در مقدمه از نام و سبب نظم ارجوزه سخن می‌گوید:

يا واهب النطقِ بـک اعتمادـی
 إلـيـک اـشـکـوـر قـلـة اـسـتـعـداـدـی
 و بـعـد فالـحـفـظ غـایـة المـطـلـوبـی
 مـنـظـومـة فـیـ الـمـنـطـقـیـ المـوـهـوبـی
 سـمـیـّـهـا أـطـرـوـفـةـ الرـمـانـیـ
 هـدـیـةـ مـنـیـ إـلـىـ الـاخـوانـیـ

(میبدی یزدی، ٦١: ١٤٢٥)

در این مثنوی، موضوعاتی نظیر عموم و خصوص و نسبت‌های چهارگانه، قضیه‌های منطقی، عرض و جوهر، جنس و نوع، کلیات خمس، تام و ناقص، قیاسات، بسیط و مرکب و عکس و نقض در قالب شعر تعریف و تشریح شده‌اند؛ مثلاً در کلیات خمس سروده است:

فـانـحـصـرـ الـكـلـیـ فـیـ الـخـمـسـ وـلاـ
 يـكـونـ زـائـدـاـ بـثـبـتـ كـمـلاـ
 وـكـلـ وـاحـدـيـ مـنـ الـخـمـسـةـ قـدـ
 يـشـارـكـ الـغـيـرـ بـأـقـسـامـ وـرـدـ
 وـإـنـماـ يـخـتـلـفـ الـكـلـیـ فـیـ
 اـقـسـامـ خـمـسـ وـاتـقـافـةـ كـفـیـ
 وـالـخـتـلـافـ لـمـ يـكـنـ فـیـهـ اـذـ
 نـسـبـتـهـ بـالـاعـتـبـارـ فـادـرـ ذـ

(همان، ٧٩)

فایدۀ تعلیمی این اثر از نوع منظمه ملاهادی سبزواری بوده که در علم منطق فراهم

آمده است. با عنایت به حجم منظمه و مباحث مشکل در علم فلسفه و منطق، ارزش این گونه آثار بیشتر روشن می‌شود.

٣-٣. أرجوزة بطيخية

همان‌گونه که از عنوان آن پیداست، این مثنوی درباره «هندوانه» و فواید و کیفیت خوردن آن است. نظم این اُرجوزه در ۲۸ صفر ۱۲۸۹ ه.ق. در کرمانشاه پایان یافته و مشتمل بر هشتاد بیت به زبان عربی است. علاوه بر خواص هندوانه و خربزه که در این شعر بدان‌ها اشاره شده، منافع پزشکی برخی دیگر از میوه‌ها نیز به قلم آمده است. این اُرجوزه در یازده فصل و یک مقدمه و مؤخره چهاربیتی سامان یافته است. فصلی در حکمت خلق میوه‌ها، ده ویژگی خاص برای هندوانه، ثواب بذل این میوه، طبیعت هندوانه و کیفیت استفاده از آن، از مطالب درج شده در این منظمه تعلیمی است. ایاتی از فصل ل «ده ویژگی هندوانه» (عشر خصال فی البطیخ) چنین است:

قال النبی و الوصی و الرضا
عَشْرُ خَصَالٍ فِيهِ يَمْلأُنَّ الْفَضَا
فَهُوَ طَعَامٌ لِّلَّذِي يَسْتَطِعُهُ
وَفِي حُرُورِ الصَّيْفِ ماءٌ يَرْحَمُهُ
مَنْ يَأْكُلُهُ فَهُوَ إِدَمٌ يَسَّرَهُ
وَمَنْ يُرْدُ حَلْوَاهُ يَجِدُهُ مَصْدِرَهُ
حَرْضٌ لِّا وُسَاخٌ أُولَى الزَّمَانِهِ
لَاسِيِّمَا فِي الْبَطْنِ وَ الْمَثَانِهِ
وَقَدْ يُذَيِّبُ فِي الْمَثَانَاتِ الْحَصَى
كَمَا يُصَفِّي الْلُّونَ حَتَّى الْبَرَصَا

اثر فضل علامه میبدی در این منظومه نیز پیداست و اشارات قرآنی و حدیثی فراوانی در کتاب نکته‌های حکیمانه و سخن پزشکان در باب میوه بهشتی هندوانه در این ارجوزه تعییه شده است. گفتنی است که شاعر، خود شرحی بر این منظومه نوشته و آن را در هیئت کتابی مجلزاً با عنوان شرح الارجوزة البطیخیه تدوین کرده است. این شرح در سال ۱۴۲۵ هـ.ق. و به کوشش سید احمد حسینی چاپ و منتشر شده است.

در شرح این ارجوزه نکته‌های دقیق بلاغی و نحوی ایات شکافته شده است و آیات و احادیث بیشتری برای تفہیم بهتر مطلب به کمک گرفته شده‌اند. شایان توجه است که برای این شرح، از کتبی نظری طب النبی، خصال شیخ صدوq، بحار الانوار علامه مجلسی، مستدرک الوسائل، القاموس المحيط، طب الائمه، فقه الرضا، مکارم الاخلاق، مستند الشیعه، کامل الزیارة، الکافی، عیون اخبار الرضا و حتی تفاسیر قرآن، نظری مجمع البیان استفاده شده است. وجود این شرح مبسوط که کتابی^{۶۰} صفحه‌ای را رقم زده، فخامت و جزالت و معنامندی ارجوزه بطیخیه را نمایان می‌کند.

این ارجوزه و ارجوزه سفرجلیه هم در علم طبیعی و شناخت فواید میوه‌ها، ارزشمندی خود را دارند، هم اینکه این آثار را می‌توان در علم طب مفید دانست که خواص پزشکی آن‌ها، با تکیه بر منابع روایی و طب اسلامی تشریح شده است. همچنین از راه مطالعه این منظومه‌ها می‌توان به وجود آثار دیگری در حوزه علوم محض و علوم اسلامی پی برد.

۴-۳. ارجوزه سفرجلیه

سفرجلیه مثنوی^{۳۳} بیتی کوتاهی است در فواید میوه «به» که در محرم سال ۱۳۰۱ هـ.ق. در کرمانشاه سروده شده است. این ارجوزه در سه فصل و مقدمه‌ای پنج بیتی سامان یافته است. در فصل «فی فضل السفرجل» می‌خوانیم:

وَخُضَّ بَعْضُهَا بِمَا لَا يُجَهِّلُ

وَفَاقَ فَضْلًا بَيْنَهَا السَّفَرَجَلُ

مَا مِنْ نَبَئَ جَاءَ إِلَّا أَكَلَهُ

وَكَانَ فِي يَدِيهِ مِنْ سَفَرَجَلَهُ

فَزِيدٌ فِي قَوْتِيهِ مَا حَصَلَ

فِيهِ كَمَا فِي أَرْبَعِينِ رَجُلًا

وَقَدْ يُرِي فِي سَائِرِ الْأَئِمَّهُ

حَتَّىٰ قُبُوْرُهُمْ لِمَنْ يَشَّمَّهُ

(همان، ۲۳)

رنگ و بوی آینینی این سروده نیز چون ارجوزه‌های پیشین است که شاعر احادیث و روایت و حتی حکایت‌های تاریخی مذهبی در پیوند با میوه «به» را به نظم کشیده است؛ چنانکه از حضرت رسول اکرم^(ص) حکایت کرده است که قدری از یک «به» را خوردند. سپس آن را به امیرالمؤمنین علی^(ع) دادند و نیز به کلمه و جعفر بخشیدند و گفتند این را بخورید که چشم را جلامی دهد و دوستی را در میان شما افزون می‌کند:

قالَ كَلُوهَا وَ تَهَادُوا بَيْنَكُمْ

يُنِيبُثُ لِلْوَادَادِ يَجْلُو عَيْنَكُمْ

(همان، ۲۵)

هرآنچه در پیوند با اثر قبلی گفته شد، می‌تواند بر این ارجوزه نیز مترتب باشد؛ جز آنکه این اثر بسیار کوتاه‌تر بوده و نیز شرحی بر آن نوشته نشده است.

۵-۳. ارجوزه حمامیه

ارجوزه حمامیه که مشتمل بر ۹۹ بیت بوده، شیوه‌نامه‌ای کاملاً تعلیمی و کاربردی برای استفاده از حمام است که هنوز برخی از آداب و تعالیم آن قابل استفاده می‌نماید. بنا بر آنچه در نسخه خطی اثر مضبوط است، نظم این متنوی در روز جمعه، ۱۹ شعبان ۱۲۸ ه.ق. در شهر سامرا پایان یافته است (حسینی اشکوری، ۱۳۸۵: ۲۶).

مقدمه‌ای چهاربیتی، دوازده فصل و یک خاتمه که به آداب خروج از حمام اختصاص دارد، تمام محتوای این منظومه را شامل می‌شود. تمام آنچه تاکنون درباره ارجوزه‌های پیشین گفته شده، در باب ارجوزه حمامیه نیز صدق می‌کند. سخن از کیفیت بنای حمام، چگونگی فضای داخلی آن، میزان حرارت آب حمام، کیفیت ورود به حمام و خروج از آن، آداب نوره‌کشیدن، خضاب‌گذاشتن، کاربرد کیسه و سنگ پا و گل سرشوی از مطالب این ارجوزه است. در خاتمه این منظومه آمده است:

و فِي الْخُرُوجِ ازَدَدَ مِنَ الدُّثْرِ
لَا سِيمَا الشَّتَا فَأَنَّهُ حَرِي
حَتَّى يُعُودَ الْجِسْمُ بِالْتَّدْرِيجِ
إِلَى اعْتِدَالِهِ فِي الْأَرْبَيْثِ أَخْرِيجِ
وَأَيْضًا أَلَمَّاً فِي مَنَافِذِ الْبَدْنِ
لَوْزَالْ عَنْهُ عَارِضُ الْحَرَّ اسْتَكَنَ

(میبدی یزدی، ۱۴۲۵: ۳۸)

حمامیه در واقع اثری است که هم از منظر تاریخی و هم از دیدگاه دانش اجتماعی و مردم‌شناسی سودمند است. از دیگر سو، بسیاری از آداب استحمام که مبتنی بر نگره اسلامی و شرع مقدس در این اثر آمده، حتی برای روزگار ما نیز قابل اجرا و استفاده است.

۶-۳. أرجوزة ایرانیه

أرجوزة ایرانیه منظومه‌ای است صدیقی ایران که شاعر در آن، جغرافیا و طبیعت این سرزمین را به طور احترام‌آمیزی وصف کرده است و گهگاه آن را با دیگر بلاد مقایسه نموده و نهایتاً ایران را برتر نشانده است. همچنین، به طرزی که رسم و شیوه علامه میبدی بوده، جهت دینی و مذهبی ایران را فراموش نکرده، پارسایی و به دینی ایرانیان را ستوده است و یک فصل را به محبت اهالی این سرزمین به حضرات معصومین و ائمه^(ع) که نکته برجسته‌ای در متن بوده، اختصاص داده است. این منظومه حاوی مقدمه‌ای نه بیتی و هشت فصل است و موضوعاتی نظری وصف جغرافیای ایران، مقایسه ایران با سایر بلاد، وصف مردم نیک‌نها این سرزمین و تفضیل این خاک بر سایر کشورها در آن دیده می‌شود. این منظومه در ماه صفر سال ۱۲۸۱ هـ ق در کرمانشاه سروده شده است.

شاعر در وصف مردم ایران گفته است:

و خلقُها فِي مُنْتَهِ الْمَرْءَةِ

و فِي اعْلَى الْفَضْلِ وَ الْفَتْوَةِ

رجالُهُمُ الْعَوْنُ فِي الْأَمْثَالِ

فِي مَا يِهِ الْمَرْءُ مِنَ الرِّجَالِ

إِنَّا لِهُمْ حُوْزٌ كَمَا جَاءَ فِي الْخَبَرِ

و نِسْوَةُ الْغَيْرِ قَبِيحَةُ الصُّورَ

قَدْ خُصَّ أَهْلُو لِلْحُلُولِ الْمَنْطَقِ

وَ رَقَةُ الظَّبْعِ وَ لُطْفُ الْخُلُقِ

وَ مَا يَنَالُونَ مِنَ الْمَطَاعِمِ

أَطَيَّبُهَا وَ هُمْ بِعِيشِ نَاعِمٍ

(همان، ۵۰)

بر بنیان ادب تعلیمی، این ارجوزه، کتابی در مردم‌شناسی است و هدف از آن، معرفی سرزمین به دینان به جوامع دیگر، به ویژه بلاد عربی است؛ چراکه علامه میبدی در آن سرزمین می‌زیسته و چه بسا تعارض‌ها و تعصبات‌های عربی که از مردمان آن دیار نسبت به ایران و ایرانیان دیده است، او را به سروden این منظومه برانگیخته باشد.

۷-۳. ارجوزهٔ نیروزیه

این ارجوزه، نوروزنامه‌ای است^{۶۴} بیتی که در موقعیت و جایگاه عید نوروز نزد ایرانیان پرداخته شده و در ماه ربیع‌الاول سال ۱۲۹۳ هـ.ق در کرمانشاه پایان یافته است. ذکر وقایع تاریخی که در این روز روی داده، روایاتی درباره عید نوروز و حتی اعمالی که برای این روز وارد شده، از نکات جالب توجه در این منظومه است. علاوه بر مقدمه، چهار فصل در این مثنوی دیده می‌شود که مشتمل بر وقایع تاریخی این روز، تعیین وقت و گاهشماری آن و نیز اعمال خاص این روز است. شاعر که جنبهٔ مذهبی همه آثار ادبیات تعلیمی خود را به غایت رعایت می‌کند، مدعی شده که مبعث حضرت رسول^(ص) و عید غدیر خم، هردو، در این روز اتفاق افتاده است و ظهور و قیام مهدی^(ع) نیز در این روز خواهد بود.

و كَانَ فِيهِ الْمَبْعُثُ الْمُصْطَفُونِ

و تَامٌ فِيهِ الْمَنْصُبُ الْمُرْتَضَوِي

و فِيهِ يَظْهَرُ الْإِمَامُ الْقَائِمُ

مِنْ بَعْدِ مَا دَلَّتْ بِهِ الْعَلَائِمُ

در اعمال مخصوص نوروز گوید:

فَحُكْمُهُ فِيهِ كَايَامٌ أُخَرٌ
 إِلَى ظُهُورِ الْقَائِمِ الثَّانِي عَشَرَ
 وَيُسَتَّحِبُ الْغُسْلُ وَالظَّيْبُ لِمَا
 يَظْهَرُ وَالبَاطِنُ اولیٰ بِهِمَا
 فَغَسْلُهُ التُّثُوبُ عَنِ الْمُعَاصِي
 وَالظَّيْبُ اسْتَغْفَارٌ بِالْأَخْلَاصِ
 وَلَبِسُ ثَوِيلٍ طَاهِرٍ مُنَزَّهٌ
 عَنْ كُلِّ مَا فِي شَرِّ عِنَانِهِ نُهَىٰ

(همان، ۴۴)

این اثر در تاریخ، مردم‌شناسی و دانش اجتماعی کاربرد دارد و برای شناخت آداب و رسوم بیش از یک قرن پیش ایرانیان در ایام نوروز، بسیار مفید است؛ اما با توجه به روحیه علامه مبتدی و تعصّب مذهبی او، دو انگاره به عنوان هدف این ارجوزه می‌توان بیان کرد: نخست اسلامی‌سازی عید نوروز نزد ایرانیان از طریق تشریح اعمالی برای این روز به شیوه اعیاد اسلامی و دیگر، بیان برخی وقایع تاریخی و پیوند آن با این روز، خاصه دو روز بسیار ارجمند، یعنی مبعث حضرت رسول اکرم^(ص) نزد مسلمانان و نیز روز غدیر خم در نظرگاه شیعیان.

۴. نتیجه

در این مقاله به برخی از آثار علامه مبتدی یزدی پرداخته شده که از حیث تاریخ ادبیات و وقایع‌نگاری چهره‌ای مهم در ادب تعلیمی است. تحلیل جنبه‌های

فایده‌مندی این آثار نیز نکتهٔ دیگری است که می‌تواند یافته و نتیجهٔ این مقاله محسوب شود. در ادامه، نتایج این نوشتۀ به صورت فهرست‌وار ارائه می‌شود:

۱. معرفی شخصیتی است که در ادبیات تعلیمی، به طور محسوسی بارز و برجسته است. تعدد آثار، تنوع موضوعات، بیان استدلالی و غنای محتوای نوشتۀ‌ها و سروده‌های سید علی بن محمدعلی مبیدی یزدی، از او شخصیتی مهم پدید آورده است. اگرچه از نظر فنی و هنری کاستی‌هایی در آثارش دیده می‌شود؛ در توجیه این کاستی‌ها هم باید گفت که در ادبیات تعلیمی، غالباً وجه تعلیمی مقدم بر هنر و هنرنمایی است. سادگی زبان، لطف بیان، اسلوب حکیمانه و باورپذیر، به همراه درج لطیفه‌های بلاغی و طرفه‌کاری‌های بدیعی و ادبی، از ویژگی‌های بارز نقل مجلس و ارجوزه‌ها محسوب می‌شود.

۲. شاید کمتر کسی در حوزهٔ ادبیات تعلیمی این حد از تعدد آثار دارد. او در زمینهٔ اخلاق و حکمت عملی (نقل مجلس)، آداب اجتماعی (أُرجوزة حمامیه)، تاریخ و جامعه‌شناسی (ارجوze‌های ایرانیه و نیروزیه) علوم انسانی (أُرجوزة منطقیه)، علوم طبیعی و پزشکی (أُرجوزه‌های بطیخیه و سفرجلیه) صاحب‌اثر است. همچنان که علامه مبیدی، گذشته از بحث ادب تعلیمی، در سایر علوم مانند صرف و نحو، لغت، تفسیر قرآن، شناخت حدیث و رجال و آداب متعلمین هم کتاب‌هایی را پدید آورده و انتساب نزدیک به هفتاد اثر به قلم او، گویای دانش جامع وی است.

۳. شخصیت علمی، زبان استدلالی، وقوف فقهی و دینی، تعصب مذهبی، روحیهٔ اصلاحگری و آمر به معروف و ناهی از منکر بودن او، توانایی در دو زبان عربی و فارسی، شاعری و ادب‌ورزی و آگاهی اواز حدیث و روایت و دقیقه‌های طب سنتی، به آثار وی در حوزهٔ ادبیات تعلیمی چاشنی و غنای خاصی بخشیده است. نقل مجلس و ارجوزه‌های شش‌گانه که در اینجا معرفی شده‌اند، هریک موضوع خاصی

دارند؛ اما رشتۀ پیوند ظرفی دارند که آن‌ها را در سبک خاصی جای می‌دهد و آن، همانا چاشنی‌گیری شان از مذهب و آیین و دین است. آموزه‌های دینی و لطیفه‌های مذهبی چنان در تاروپود این آثارتندیده شده که گویی قصد آفرینش آن‌ها همانا تبلیغ و ترویج این آموزه‌ها بوده و سودای سرودن و سائق‌های درونی برای پدیدآمدن آثار ادبی کاملاً فرع بر موضوع قرار دارد. اگرچه در ادبیات تعلیمی ما غالباً با حکیم یا عالمی شاعر روبه رو هستیم، در اینجا با حکیمی فقیه و بلکه متشرعی متعصب مواجهیم که حتی برای رسم نوروز ریشه‌های مذهبی می‌جوید. غایت علم و ادب در دیدگاه شاعر این منظمه‌ها، هدایت به سوی شریعت حقه است و به همین جهت تمام این آثار مؤخره‌ای هدایتگر با بیان هدف غایی دارند تا خواننده در صورت آثار نماند؛ بلکه به عمق معنا و هدف رهنمون گردد.

۵. پی‌نوشت‌ها

۱- «ویژه‌سرا» اصطلاحی جدید است و منظور از آن شاعری است که فقط در یک قالب یا در یک نوع ادبی آثار خود را ارائه می‌دهد؛ نظیر باباطاهر در دویستی یا بواسحاق در اطعمه‌سرایی (کافی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۲۱۳).

منابع

۱. حسینی اشکوری، سید احمد (۱۳۸۵). *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ میبدی*. کرمانشاه: کتابخانهٔ میبدی.
۲. داد، سیما (۱۳۸۷). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. تهران: مروارید.
۳. رزم‌جویی، حسین (۱۳۸۲). *نقد و نظری بر شعر گذشتهٔ فارسی از دیدگاه اخلاق اسلامی*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
۴. ——— (۱۳۹۰). *أنواع ادبی*. چ ۳. مشهد: دانشگاه فردوسی.
۵. رستگار فساوی، منصور (۱۳۸۰). *أنواع شعر فارسی*. شیراز: نوید.
۶. رضاییگی، مریم و علی سلیمی (۱۳۹۱). «تأملی در نقش تعلیمی داستان‌های شاهنامه». *فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان فارسی*. دانشگاه آزاد بوشهر، ۴ (۱۳).
- صص ۱۲۱-۱۳۶.
۷. سبزی، امیر و تورج حسنی‌زاده (۱۳۹۱). «بررسی برخی مؤلفه‌های تربیتی در متون تعلیمی کهن». *مجله سبک‌شناسی بهار ادب*. ۱۷. صص ۱۹۵-۲۱۴.
۸. شمیسا، سیروس (۱۳۸۱). *أنواع ادبی*. چ ۹. تهران: فردوس.
۹. عبادیان، محمود (۱۳۷۹). *شمه‌ای از سیر گونه‌های ادبی در تاریخ ادبیات فارسی*. تهران: سوره مهر.
۱۰. کافی، غلامرضا (۱۳۹۳). *پژوهش نامه ادبیات انقلاب اسلامی*. تهران: بنیاد عاشورا.
۱۱. مشرف، مریم (۱۳۸۹). *جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران*. تهران: سخن و دانشگاه شهید بهشتی

۱۲. میبدی یزدی، سیدعلی (۱۳۸۸). *اصلاح البَلَاد*. به تصحیح سیدصادق حسینی اشکوری. کرمانشاه: کتابخانه میبدی.
۱۳. _____ (۱۴۲۵ق). *المُجْلِيَّة*. کرمانشاه: مکتبة المیبدی.
۱۴. _____ (۱۴۲۵ق). *ست ارجیز*: به کوشش سیداحمد حسینی. کرمانشاه: مکتبة المیبدی.
۱۵. _____ (۱۴۲۵ق). *شرح أرجوزة البطيخیه*. به کوشش سیداحمد حسینی. کرمانشاه: مکتبة المیبدی.
۱۶. _____ (۱۳۸۷). *نقل مجلس*. به کوشش سیدصادق حسینی اشکوری. کرمانشاه: کتابخانه میبدی.
۱۷. یلمه‌ها، احمد رضا (۱۳۹۵). «بررسی خاستگاه ادبیات تعلیمی و سیر تطور آن در ایران». *مجله ادبیات تعلیمی*. دانشگاه آزاد دهاقان. ۲۹(۸). صص ۶۱-۹۰.